

ASIAN AND MIDDLE EASTERN STUDIES TRIPOS Part 1A

Middle Eastern Studies

---

Friday 3 June 2011

13.30-16.30

---

**MES.3 PERSIAN LANGUAGE**

*Answer **all** questions.*

*Write your number **not** your name on the cover sheet of **each** answer book that you use.*

**STATIONERY REQUIREMENTS**

*20 Page Answer Book x 1*

*Rough Work Pad*

<p>You may not start to read the questions printed on the subsequent pages of this question paper until instructed that you may do so by the Invigilator</p>
--

## SECTION A

Translate the following two passages into English [30 marks]

1 Unseen passage

گفت: «آری گناهی نکرده‌ام که از کسی بترسم؛ می‌روم و هنگام بازگشتن پادشاه از شکار سر راه می‌ایستم و چند کلمه حرف حسابی می‌زنم و دروغگویی غیبگو را آشکار می‌کنم.» پس لباسی پاکیزه‌تر به تن کرد و یک کاغذ سفید برداشت و چند خط کج و راست روی آن کشید و کاغذ را چهار تا کرد در یخه پیراهنش گذاشت و آمد همان‌جا که صبح بود سر راه شکارگاه نشست. وقتی پادشاه و همراهان برگشتند پیرمرد مانند کسی که می‌خواهد نامه‌ای بدهد و عرض حالی داشته باشد آن کاغذ را به دست گرفت و دست خود را جلو آنها دراز کرد. همینکه سواران مقابل او رسیدند آن ندیم غیبگو پیشدستی کرد و خواست او را دور کند، ولی پادشاه که کاغذی در دست پیرمرد دیده بود اسب خود را نگاه داشت و گفت نامه‌اش را بیاورید بینم چه می‌خواهد.» و همه ایستادند.

Line 3 and 8: teller of the unseen, seer

غیبگو

Line 4: collar

یخه

*Qesseh-ha-ye khub baraye bachchah-ha-ye khub* (Tehran, 1997), p. 86.

## 2 Seen passage

- آن مرد آمد و پسر بچه‌هایی را که خانه نداشتند دعوت کرد تا با او به  
 2 جای بهتری بروند. چون بچه‌ها از او محبت دیده بودند با او رفتند. آن  
 مرد خوب بچه‌ها را بخانه خودش برد. در خانه آن مرد دو مرد خوب  
 4 دیگر هم بودند. آنها به بچه‌ها پول دادند، شام دادند، رختخواب گرم هم  
 دادند و فردا صبح بآنها گفتند اگر میخواهید همیشه دارای يك چنین  
 6 زندگی باشید، باید مطیع و فرمانبردار باشید. بچه‌ها چون محبت دیده  
 بودند قبول کردند و يك هفته بعد هرکدام در يك نقطه شهر مشغول جیب  
 8 بری شدند. و آنچه از استاد آموخته بودند در موقع عمل بکار می‌بردند و  
 آخر شب‌ها با جیب پر به خانه بر میگشتند و هرچه کار کرده بودند بآن سه  
 10 مرد خوب تقدیم میکردند و روزگارشان بخوبی و خوشی میگذشت.  
 يك روز یکیشان گیر افتاد و در کلانتری بقیه را هم لو داد. آنها را  
 12 محاکمه کردند و به دارالتادیب فرستادند. سه ماه در دارالتادیب بودند و  
 در این مدت از دیگران خیلی چیزها یاد گرفتند.
- 14 از توبه، اثر خسرو شاهانی

W.M. Thackston, *An Introduction to Persian* (3<sup>rd</sup> ed. Bethesda, 1993), p. 186.

## SECTION B

3 Choose **one** of the following topics for a composition in Persian of about 100 words [20 marks]

- a) Criticise a book you have read recently.
- b) Describe how you celebrated the New Year.
- c) Explain what attracted you to study Persian.
- d) Write a thank you letter to Iranian friends for their present.

## SECTION C

Answer **all** the following questions [20 marks]

4 Give the infinitive form and the first person singular of the present tense of the following verbs in Persian:

- a) to hear
- b) to wash
- c) to love or like
- d) to put down or aside
- e) to cook

5 Translate into Persian:

- a) That was the most difficult day of my life.
- b) Scarcely had I sat down when the door opened and my daughter entered the room.
- c) It's not possible for me to eat such a meal.
- d) They enjoyed a day in the country far from the hectic environment of the city.
- e) I have forgotten the colour of the scarf you were wearing yesterday.

6 Translate and analyse the following forms:

- a) دور نینداز
- b) خوابش برده است
- c) سحر خیز
- d) بچگانه
- e) دهات

7 Complete the sentences with the correct form of the verbs given in brackets, and translate the result:

- a) لطفا در این کلاس همیشه فارسی ..... (صحبت کردن)
- b) من از این فیلم خیلی ..... (بد آمدن)
- c) او شاید آنها را دو روز پیش ..... (خریدن)
- d) اگر تو تکلیفت را انجام ..... (دادن) .... من ترا ..... (کشتن)
- e) ما باهوشتر از آن هستیم که حرفهای شمارا ..... (یاور کردن)

END OF PAPER